



عقل آن است که با آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: عقلانیت آن است که جنبه عمومی و همگانی زندگی ما را در مقیاس ها و فاکتورهای مختلفی که فرهنگ هر جامعه ای تعیین می کند مدیریت بکند و عقل آن است که با آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید.

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: عقلانیت آن است که جنبه عمومی و همگانی زندگی ما را در مقیاس ها و فاکتورهای مختلفی که فرهنگ هر جامعه ای تعیین می کند مدیریت بکند و عقل آن است که با آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید.

دکتر حسن فتحی استاد فلسفه دانشگاه تبریز در مورد جایگاه عقل و عقلانیت در زندگی فردی و جمعی ایرانیان به خبرنگار مهر گفت: از عقل تعریف واحدی نداریم و این مسئله در خصوص حکمت هم صادق است. در تلاقی فرهنگ یونانی با فرهنگ بومی اسلامی و فرهنگ باصلاح روایی و سنتی ما گاهی میان معانی عقل و همین طور معانی حکمت خلط می شود.

وی افزود: بر آنچه که گفتم تلقی عصر جدید به خصوص تلقی پوزیتیویستی از عقل و عقلانیت را هم باید اضافه کنیم. یعنی این معنا هم باز علاوه بر آن معنای رایج یونانی و معنای رایج اسلامی که فضای دیگری دارد این هم باید در نظر گرفته شود. وقتی این اختلاف ها در تعریف ها را در نظر بگیریم جواب دادن به اینکه فرهنگ و مردم ما بطور کلی عامه مردم ما چقدر پایبند به عقلانیت هستند با توجه به آن معانی و جواب ها فرق دارد.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز اظهار داشت: آنچه که در جهان اسلام و فرهنگ روایی ما عقل نامیده می شود آن نه عقل حسابگر در محدوده همین جهان محسوس و ملموس است که تلقی پوزیتیویستی از عقل است و نه عقل به معنای آن چه که در فلسفه مد نظر است و در فضای منطق پیش می رود عقل فلسفی محض آن هم نیست بیشتر جنبه اخلاقی دینی ایمانی و حسابداری در چارچوب توصیه ها و عوامل اسلامی را عقل انجام می دهد است و حکمت هم محکم کاری در همین چارچوب است.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: عقل آن است که با آن خداپرستی دیده بشود و بهشت به دست آید. این عقل با آنچه که در یونان و در فلسفه عقل و خردورزی تلقی می شود فرق دارد. اگر معنای مشترک همه اینها را در نظر بگیریم عقلانیت آن است که جنبه عمومی و همگانی زندگی ما را در مقیاس ها و فاکتورهای مختلفی که فرهنگ هر جامعه ای تعیین می کند مدیریت بکند. از نظر شخصی خیلی نباید بگوییم که همه جا باید عقلانیت حاکم باشد فرد می تواند ایمان غیر عقلانی را داشته باشد می تواند خرافی باشد می تواند هر نوع سبک زندگی ای را که دوست داشت و خودش مایل است داشته باشد.

فتحی یادآور شد: ولی وقتی عقل بینا جمعی و همگانی شد آنجا معیارها و اصولی باید حاکم باشد و پایبندی به این اصول است که برای عقل مداری و خردورزی لازم است. با این معیار اگر در نظر بگیریم، در جامعه ما همه جا با یک جمله نمی شود گفت که عقلانیت حاکم است یا حاکم نیست.

فتحی بیان داشت: طیف های مختلفی از مردم با درجات مختلفی به عقلانیت پایبند هستند. بدین نیستم که بگویم مردم ما عقلانی عمل نمی کنند و بر همین اساس هم می گویم خیلی نباید بگوییم عقلانیت حاکم نیست اما به هر حال نیاز به تقویت دارد و تقویت آن هم بر اساس همان که باصلاح آیا این کاری که من انجام می دهم در میان جمع همگانی و اگر قانونی بشود این کار یا این ایده یا این گفتار می تواند بر جای بماند و برای همگان معیار باشد با تقویت این روحیه می توانیم سطح و درجه عقلانیت را در جامعه بالا ببریم.